

مبانی فقهی تعظیم و تعزیز اماکن یادآور حوادث صدر اسلام در سرزمین وحی (از منظر فریقین)

مهدی درگاهی^۱، مقداد درگاهی^۲ و میثم درگاهی^۳

چکیده

مبانی فقهی تعظیم و تعزیز اماکن محبوب مسلمانان، که یادآور رویدادهای مهم صدر اسلام بوده است، در فقه فریقین چندان هویدا نیست؛ چراکه مبلغان وهابی، مخالف بازدید مسلمانان از این اماکن هستند. آنها سعی می‌کنند با طرح سؤال‌هایی - از قبیل اینکه «مبانی فقهی تعظیم و تعزیز این اماکن چیست؟»، «آیا بازدید و به جا آوردن نماز مستحبی در اماکنی همچون مساجد سبعه، مسجد اجابه، مسجد غمامه، مسجد ردالشمس، مسجد جن، مسجد نوقبلتین، بئراریس و... بدعت است؟» - ذهن‌های مسلمانان را مخدوش کنند. تحلیل برآمده از روایات خاص برخی اماکن و همچنین قرار گرفتن سایر اماکن در زمره برخی اطلاقات و عمومات شرعی، اثبات‌کننده ویژگی ممتاز و فضیلت آن مکان‌ها برای تعظیم و اهتمام و پندآموزی مسلمانان از آن مکان‌هاست. هدف نویسندگان در این تحقیق شناخت حدود و ثغور ادله، و تبیین و تحلیل مبانی فقهی تعظیم و تعزیز این اماکن و گستره دلالتی آن است و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی موجود در منابع فریقین با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین مبانی فقهی تعظیم و تعزیز این اماکن و استحباب ادای نماز در برخی و مشروعیت آن در سایر اماکن است.

کلیدواژه‌ها: تعظیم و تعزیز، بازدید، اماکن صدر اسلام، فقه فریقین.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم؛ استادیار گروه فقه و اصول جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده

مسئول) (aghigh_573@yahoo.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (meqdaddargahi@yahoo.com).

۳. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (maysamdargahi@gmail.com).

یکی از اثرگذارترین شعائر اسلامی، که مایه شکوفایی استعداد‌های معنوی و رشد روحی زائران حرمین شریفین و موجب پند و عبرت‌گیری در زندگی کنونی مسلمانان می‌شود، یادآوری رویدادهای صدر اسلام و سختی‌های پیامبر اعظم ﷺ و مسلمانان آن دوران است که جز با تعظیم و تعزیز اماکن یادآور آن حوادث برای مسلمانان میسر نیست. بزرگ داشتن (تعظیم) و عزیز دانستن (تعزیز) این اماکن در پرتو حفاظت در برابر تخریب، بازدید، یادآوری وقایع رُخ داده در آنها و نمازگزاردن در آنها تبلور می‌یابد.

نظرداشت مسلمانان از دیرباز تاکنون نسبت به منزلت خاص این اماکن و حفظ و بازسازی آن، موجب شده است تا حاجیان با بازدید از این اماکن و یادآوری خاطرات دوران صدر اسلام همواره زمینه پندآموزی و عبرت‌گیری از آن حوادث را فراهم کنند.

با روی کار آمدن وهابیت و تکیه بر فهم ادعایی‌شان از دین و مذهب، بازدید از این اماکن ممنوع شد؛ حتی برخی از اماکن همچون مسجد سنان (مکانی که دندان پیامبر ﷺ در آنجا به زمین افتاد) در محوطه غزوه أحد و مساجد سبعة در منطقه غزوه احزاب تخریب شد. امروزه نیز مبلغان وهابی تعظیم و تعزیز آن اماکن را بدعت می‌دانند و با متفرق کردن بازدیدکنندگان موجب تشویش اذهان مسلمانان می‌شوند. این مسئله با تکیه بر منابع فریقین ضرورت طرح مبانی فقهی تعظیم و تعزیز این اماکن را دوچندان می‌کند. تاکنون مقاله و تحقیقی با طرح مبانی فریقین در این زمینه در محافل علمی منعکس نشده است.

شایان ذکر است که گاهی بار سفر بستن برای بازدید این اماکن با تمسک به روایات منقول از پیامبر اعظم ﷺ مبنی بر حرمت بار سفر بستن برای زیارت هر مکانی مگر مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی (ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶ و ج ۱۳، ص ۱۶۵ و ج ۱۷، ص ۹۱ و ج ۱۸، ص ۱۴) نامشروع و

حرام توصیف شده است. اخیراً مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت شدّ رحال برای زیارت با تأکید بر مبانی فقهی اهل سنت» در شماره ۱۰۱ مجله علمی - ترویجی میقات حج چاپ شده است.

محتوای تحقیق حاضر بر خصوص بدعت پنداشتن تعظیم و تعزیز و بازدید از این اماکن تمرکز دارد و فارغ از پنداشت حرمت ادعایی از روایات مذکور و تفصیل پیرامونی آن است. به دیگر سخن گاهی مفروض، سفر برای بازدید از این اماکن است اما در بحث حاضر، مفروض سفر برای آدای حج و عمره است که حاجیان در خلال اقامتشان به صورت دوره‌ای از این اماکن بازدید می‌کنند. پس تمرکز نویسندگان در این مقاله بر اثبات مشروعیت تعظیم و تعزیز این اماکن در خلال بازدیدهای دوره‌ای است که یکی از مؤثرترین مصادیق تعظیم، تکریم و تعزیز آن اماکن به شمار می‌آید. در ادامه روایات در دو بخش کلی، یعنی تعظیم اماکن اثبات شده با ادله خاص و اماکن اثبات شده با ادله عام، تحلیل و بررسی می‌شود:

۱. مبانی تعظیم و تعزیز اماکن ثابت شده به دلیل خاص

فارغ از فضیلت نماز گزاردن در مسجدالحرام و مسجدالنبی نسبت به سایر مسجدها، روایات فریقین (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۰ - ۲۷۱؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۹۰) به دلالت التزامی حاکی از تعظیم و تعزیز این دو مسجد نسبت به سایر مساجد است. در این بخش به سایر مساجد در سرزمین وحی توجه شده است. مساجدی که امروزه حاجیان در زیارت‌های دوره‌ای از آن بازدید و مطابق احادیث فریقین در آن نماز می‌گزارند، استحباب نماز گزاردن در این مساجد نیز به دلالت التزامی حاکی از تعظیم و تعزیز آن نسبت به سایر مساجد، پس از مسجدالحرام و مسجدالنبی در سرزمین وحی است.

الف) مسجد قبا

یکی از مساجدی که حاجیان در مدینه منوره از آن بازدید می‌کنند و نماز

واجب یا مستحب در آن اقامه می‌کنند، مسجد قباست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت از مکه مکرمه و پیش از رسیدن به مدینه منوره - که بیشتر از نیم فرسخ (حموی، بی تا، ج ۵، ص ۸۲) و بنا بر عقیده برخی دیگر سه مایل (فیروزآبادی، ۱۳۸۹ق، ص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ مطری، بی تا، ص ۵۰) تا مدینه فاصله داشت - چند روز در این مکان اقامت کردند.

مطابق برخی گزارش‌های روایی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۹) و تفاسیر (واحدی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۳۸؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۱؛ استرآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۶۱) ذیل آیه شریفه ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾ (توبه: ۱۰۸)، این مسجد بر پایه تقوا و خدامحوری بنا شد و به «مسجد التقوی» شهرت یافت (ر.ک: ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۲۴۵؛ مقریزی، بی تا، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۶۹-۷۲).

طبق روایات اهل سنت، رسول خدا صلی الله علیه و آله یک بار در هفته (شنبه یا دوشنبه) به صورت منظم مسافت مذکور بین مدینه منوره و منطقه قبا را پیاده یا سواره می‌پیمودند تا در مسجد قبا نماز اقامه کنند (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ترمذی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۵۰۰)؛ همچنین از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چنین گزارش شده است: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءَ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ كَانَ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ»؛ «کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد، آن‌گاه به مسجد قبا درآید و دو رکعت نماز اقامه کند، ثواب یک عمره را در پرونده اعمالش ثبت کرده است» (ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۹؛ قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۶؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۳۴). فضیلت مذکور برای مسجد قبا باعث شد تا برخی صحابه به تاسی از آن حضرت در آن مسجد نماز گزارند و سایر مسلمانان را نیز به این مهم فرا خوانند.

از سعد بن ابی وقاص نقل شده که «دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از

آن است که دو بار به بیت المقدس بروم. اگر مسلمانان می دانستند در قبا چیست، به سوی آن می تاختند تا از فضیلتش بهره مند شوند» (ابن شبهه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۷۳). ابن حجر عسقلانی بعد از این گزارش در توصیف سند آن می نویسد: «سند این روایت صحیح است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۹). همچنین از عمر بن خطاب روایت شده که «اگر مسجد قبا در دورترین نقاط بود، باز شتران را به سوی آنجا روانه می کردیم» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۳۳). این سخن کنایه از سفر به منطقه نیم فرسخی یا سه مایلی - بنا بر اختلاف مذکور - بین مدینه منوره و منطقه قبا بوده است.

پس مطابق گزارشات مذکور تعظیم، تعزیز و بزرگداشت مسجد قبا با بازدید از آن به منظور کسب فضیلت نماز گزاردن در آن، مشروع بلکه مطلوب است. از میان فقیهان مذهب جعفری که به مطلوبیت نماز در مسجد قبا فتوا داده اند، می توان به «شیخ صدوق» (م ۳۸۱ق) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۹)، «شیخ طوسی» (م ۴۶۰ق) (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۸۶)، «علامه حلی» (م ۷۲۶ق) (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۲۷۱) و «محقق سبزواری» (م ۱۰۹۰ق) (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۷۰۸) اشاره کرد. از میان فقیهان اهل سنت نیز «محمد بن مسلمة مالکی» (م ۲۱۶ق) (نووی، بی تا، ج ۷، ص ۴۷۷)، «ابن عبد البر قرطبی مالکی» (م ۴۶۳ق) (قرطبی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۳۳۱)، «حافظ الزین عبدالرحیم عراقی شافعی» (م ۸۰۶ق) (عراقی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۳)، «محمد عبدالرئوف مناوی شافعی» (م ۱۰۳۱ق) (مناوی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۲۲)، «منصور بن یونس بن ادریس بهوتی حنبلی» (م ۱۰۵۱ق) (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۵۱۸) به آن تصریح کرده اند.

استدلال به تعظیم و تعزیز آن در ادامه، بعد از طرح استحباب نماز در مسجد خیف خواهد آمد.

ب) مسجد خیف

یکی از مساجدی که زائران بیت‌الله الحرام از آن بازدید می‌کنند و نماز واجب یا مستحب در آن اقامه می‌کنند، مسجد خیف است. طبق برخی گزارش‌ها هفتاد (فاکهی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۶۶)، هفتصد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۱۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۰) یا هزار پیامبر الهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۷۴) - بنا بر اختلاف روایات - در آنجا نماز گزارده‌اند. همچنین این مسجد مکان نماز گزاردن پیامبر اعظم ﷺ در ایام اقامتشان در منا، و محل ایراد خطبه در حجة الوداع است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۹۳۰؛ بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۰۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۸۴).

فاکهی (م ۲۷۲ق) از مجاهد نقل می‌کند که «هفتاد و پنج نبی حج انجام داده و همه آنها طواف بیت‌الله الحرام کرده و در مسجد منا (خیف) نماز گزارده‌اند؛ پس اگر توان خواندن نماز در مسجد منا داری، از آن غفلت نکن» (فاکهی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۶۶). از سعد بن ابی‌وقاص نیز چنین گزارش می‌کند:

اگر من از اهل مکه بودم تمام جمعه‌ها را در مسجد خیف نماز می‌گزاردم و اگر مسلمانان می‌دانستند چه برکاتی در آن مسجد است شترها را به سوی آن می‌رانند و اگر من در مسجد خیف دو رکعت نماز اقامه کنم این نماز نزد من بهتر است از آنکه دو بار به بیت‌المقدس آمده و در آنجا نماز گزارم (همان، ج ۴، ص ۲۶۶).

وی در گزارش سوم از ابوهریره چنین نقل می‌کند: «اگر از اهل مکه بودم هر هفته شب‌ها در این مسجد نماز می‌گزاردم» (همان، ج ۴، ص ۲۶۶). گزارش اخیر با اندک اختلافی در تعبیر احمد بن حنبل و طبرانی نیز نقل شده است (ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۹۷؛ طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۰).

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مضامینی در امتیاز و فضیلت نماز گزاردن در مسجد خیف نسبت به سایر مساجد و تسبیح خداوند متعال در آن بیان شده است (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۸).

آنچه به دلالت مطابقی از این گزارش‌ها فهمیده می‌شود، استحباب نماز گزاردن در این مسجد برای زائران بیت‌الله الحرام و همچنین برای اهالی مکه است؛ همان‌طور که برخی از فقیهان مذهب جعفری - مانند «شیخ صدوق» (م ۳۸۱ق) (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۵)، «شیخ مفید» (م ۴۱۳ق) (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲۲) و «کاشف الغطا» (م ۱۲۲۷ق) (کاشف الغطا، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۲) - به آن فتوا داده‌اند.

میان سایر مذاهب اسلامی نیز می‌توان به «عبدالله بن احمد بن قدامه مقدسی» (م ۶۲۰ق) (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۸)، «منصور بن یونس بن ادریس بهوتی» (م ۱۰۵۱ق) (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۵۰۸) و جمل (م ۱۲۰۴ق) (جمل، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷ و ۲۸) اشاره کرد.

علاوه بر دلالت مطابقی گزارش‌های مذکور، مبنی بر استحباب نماز در این مسجد و مسجد قبا، به دلالت التزامی نیز بر مطلوبیت تعظیم و تعزیز آن مسجد در پرتو بازدیدهای دوره‌ای برای حج‌گزاران و عمره‌گزاران دلالت دارد؛ چراکه بیان این امتیازات و فضائل به منظور برانگیختن و تشویق مسلمانان برای بازدید و ادای نماز در مسجد خیف و قبا بر قداست آن مکان و مطلوبیت تعزیز و تعظیم آن دلالت دارد.

۲. مبانی تعظیم و تعزیز اماکن ثابت شده به دلیل عام

بر خلاف دو نمونه پیشین، مکان‌ها و مساجدی در سرزمین وحی وجود دارند که ادله خاصی بر استحباب ادای نماز در آن وجود ندارد تا بنا بر دلالت التزامی از آن ادله، بتوان بر مطلوبیت تعظیم و تعزیز آن اماکن حکم کرد. از آنجا که این اماکن یادآور حادثه و رویدادی از صدر اسلام است، همواره در طول تاریخ مسلمانان در ساخت، بازسازی و حفظ آنها اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند تا امروزه در منظر مسلمانان اقصا نقاط جهان قرار گیرد؛ مثلاً مسجد اجابه در محل مباحله پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران ساخته شد یا مسجد ردّ

الشمس از مکان و داستان برگشت خورشید برای ادای نماز حضرت امیرالمؤمنین (ع) حکایت دارد یا مسجد جن محل نزول سوره جن و اسلام آوردن جنیان در مکه مکرمه است.

در این بخش از مقاله علاوه بر مکان‌های مذکور، به مکان‌هایی همچون «غار حرا»، «غار ثور»، «مساجد سبعه»، «بئر اریس»، «مسجد بلال»، «مسجد ذوقبالتین» و امثال آن، که شمارش آنها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد، توجه شده است.

مسلمانان در بازدید از این قبیل مکان‌ها هیچ عقیده‌ای نسبت به فزونی ثواب نماز و دعا در این مکان‌ها و مساجد نسبت به دیگر مساجد و مکان‌ها ندارند؛ چراکه دستور خاصی در این باره وجود ندارد و حتی توصیه می‌شود که زائران نمازهای خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی، که فضیلت آن به ترتیب از تمام مکان‌ها در اقصا نقاط جهان بیشتر است، اقامه کنند. منتها بحث در این است که آیا بازدید از این اماکن و نماز گزاردن در آن بدعت است؟ آیا می‌توان به پشتوانه برخی ادله عام، مطلوبیت تعظیم و تعزیز این اماکن در پرتو بازدید و یادآوری آن رخداد روی داده در آن را ثابت کرد؟ آیا می‌توان نماز خواندن در آن را از باب تبرک و تیمن به آن مکان، مشروع دانست؟

می‌توان برای مطلوبیت تعظیم و تعزیز این اماکن به سه دلیل تمسک کرد که دلیل دوم، بر مشروعیت نماز در آن اماکن خاص دلالت دارد؛ به همین دلیل اقامه نماز در این مکان‌ها بدعت نیست.

الف) تمسک به مطلوبیت عام تعظیم شعائر

بزرگداشت، تعزیز و تعظیم شعائر الهی در آیه شریفه ﴿مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲) نشانه تقوا و تسلط پرهیزگاری بر قلوب و دل‌ها دانسته شده است. واژه شعائر، علاوه بر آیه مذکور، در سه آیه دیگر (حج: ۳۶؛ بقره: ۱۵۸؛ مائده: ۵) نیز آمده و دیدگاه‌ها در معنای به‌کاررفته

شعائر در برخی تفاسیر جمع‌آوری و در چند احتمال از «عطا و دیگران»، «سُدی»، «ابن جریر»، «ابن عباس»، «مجاهد»، «ابوعلی جبایی»، «زجاج»، «مغربی» و «بلخی» ذکر شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۱۹؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۲).

با تدبّر در تمام احتمالات ذکر شده، مشخص می‌شود که مفهوم شعائر، علامت و نشانه‌های دین خداست و احتمالات مذکور - یعنی «قربانی حج که علامت‌گذاری شده»، «تمام مناسک و اعمال حج»، «موضع و جایگاه اعمال و عبادات حج» یا «نشانه‌های دین و طاعت خدای متعال» - اشاره به مصادیق معنای مذکور است.

آیه شریفه مذکور بر مطلوبیت تعزیز، بزرگداشت و تعظیم هر نشانه و علامت دین خدا دلالت دارد. شاهد این شمولیت، استعمال با «من» تبعیض است (میرفتاح، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۸) و اینکه اصولاً تعظیم شعائر در آیه، به چیزی از قبیل صفا و مروه و مشابه آن مقید نیست؛ بنابراین بر هر چیزی که یادآورنده خدا و از نشانه‌های دین و اطاعت الهی باشد شعائر صدق می‌کند. این دیدگاه قدر متیقن از انظار آربابان تفسیر در هر مذهب است (نمونه: ابن ابی حاتم، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۷۰۶؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۷۸؛ ابن جزری غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۶؛ ابن عجبیه، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۵؛ دهلوی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۹؛ صاحب سرّ هندی مجدی، بی‌تا، ص ۱۱؛ ابن نجیم، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۲؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۲ و ج ۷، ص ۱۵؛ نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۴).

به دیگر سخن وقتی در قرآن مجید شتری که برای قربانی در سرزمین منا آورده شده (حج: ۳۶) یا دو کوه «صفا» و «مروه» (بقره: ۱۵۸) از جمله شعائر الهی دانسته شده، به این دلیل است که مصادیق مذکور، از نشانه‌های آیین ابراهیمی و دین حنیف و به تبع آن دین اسلام است. بنابراین مناسک حج، شعائر نامیده می‌شود (مائده: ۵)؛ زیرا این اعمال نشانه‌هایی از توحید و دین

حَتِيف است و اگر به سرزمین مُزْدَلِفَه، مشعر گویند به خاطر آن است که وقوف در آن، نشانه اطاعت الهی و عمل به دین اوست. پس هر آن چیزی که نشانه و از شعائر دین الهی باشد، تعظیم، تعزیز و بزرگداشت آن به حکم آیه شریفه مذکور، مایه تقرّب به درگاه باری تعالی است.

اماکنی که در صدر اسلام رویداد و حادثه‌ای در آن رخ داده، علاوه بر آنکه یادآور رویدادهای صدر اسلام و سختی‌های پیامبر اعظم ﷺ و مسلمانان آن دوران است، مایه شکوفایی استعدادها و معنوی و رشد روحی زائران حرمین شریفین می‌شود و یکی از تأثیرگذارترین نشانه‌های دین خداست؛ به گونه‌ای که تعظیم و تعزیز آنها به صورت بازدید زیارت دوره‌ای و همچنین صیانت از آنها مشروع، بلکه مطلوب است. به دیگر سخن وقتی به حکم آیه شریفه ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ﴾ (حج: ۳۶)، شتری را که حاجیان برای قربانی روز عید نشانه‌گذاری می‌کنند، از مصادیق «شعائر الله» دانسته می‌شود، به طریق اولی اماکن یادآور رویداد و حوادث صدر اسلام، که در آن از سختی‌های پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان و همچنین امدادها و غیبی حکایت می‌شود، جزو شعائر الهی بوده و تعظیم و بزرگداشت آنها مایه تقرّب به خدا و مطلوب شرعی است.

ب) تبرک به آثار به جا مانده از پیامبر اکرم ﷺ

مطابق گزارش‌های تاریخی، سیره و روش مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، تبرک جُستن به آثار به جا مانده از رسول گرامی اسلام ﷺ است. این شیوه و روش در مرآ و منظر صحابه بزرگ پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت گرامی‌شان ﷺ قرار داشته و منعی از آن گزارش نشده است. برخی از صحابه این سیره را در عمل به نمایش گذاشتند تا آحاد مسلمانان آن را سرلوحه عملکرد خود در مواجهه با آثار برجای مانده از پیامبر اعظم ﷺ قرار دهند؛ برای مثال می‌توان به تبرک‌جویی صحابه به تخت و سریر پیامبر ﷺ (حماد بن زید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۴)، تبرک‌جویی اسماء بنت ابوبکر به قبای پیامبر ﷺ (مسلم بن

حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۱۵)، سهل بن سعد انصاری به ظروف و کاسه‌های متعلق به پیامبر ﷺ (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۲۸؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۱۸)، تبرک جوینی جابر بن عبدالله انصاری به سکه‌ها و طلاهای پیامبر ﷺ (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲-۴۳؛ ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۱۵ و نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۹۸-۲۹۹)، تبرک جوینی ابوهریره به بوسه‌گاه پیامبر اکرم ﷺ در تقبیل حجرالأسود (عینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۴۱؛ همچنین ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۵۵؛ طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۹۲؛ ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۴، ص ۵۳-۵۴؛ مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۳۷۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۵۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۶۵۰)، تبرک جوینی سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر و دیگر صحابه و تابعین به منبر رسول خدا ﷺ (ابن سعد، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۵۴؛ ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۵۷؛ ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۵۴، ص ۱۵۷؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۵۴) و تبرک جوینی مسلمانان به دست انس بن مالک برای لمس کردن دست‌های مبارک پیامبر ﷺ (عینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۴۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۴۳) اشاره کرد (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۶۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۲۴؛ ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۶۲، ص ۱۵۶-۱۵۸؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴ و ج ۳، ص ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۵۹ و ج ۵، ص ۱۴۳ و ج ۱۲، ص ۴۵۳ و ج ۱۱، ص ۲۱۲ و ۳۳۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۳۴، ۱۴۴ و ۱۴۶؛ طبرانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۳۸-۳۳۹).

این گزارش‌ها باعث شد تا فقیهانی همچون «محبی‌الدین نووی» (م ۶۷۶ق) (نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۲۳۷)، «ذهبی سلفی» (م ۷۴۸ق) (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۱۲) و «ابن حجر عسقلانی» (م ۸۵۲ق) (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۱ و ۱۰۲) به استحباب تبرک جوینی به آثار باقی مانده از پیامبر اکرم ﷺ فتوا دهند و برخی همچون «تاج‌الدین فاکهانی» (م ۷۳۱ق)

(امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۲۷) خود در عمل بارها به آثار برجای مانده از رسول خدا تبرک جستند.

مطلوبیت تبرک‌جستن تنها منحصر به نمونه‌های مذکور در گزارش‌های بالا (اشیای منسوب به پیامبر) نیست، بلکه تمام آثار باقی مانده از آن حضرت ﷺ - همچون اماکن و مساجدی که ایشان ﷺ در آنجا حضور داشتند یا نماز و دعا می‌خواندند - را نیز شامل می‌شود.

گزارش شده «عبدالله بن عمر» در مکان‌هایی که پیامبر ﷺ نماز خوانده بودند، نماز می‌خواند یا درختی که پیامبر ﷺ زیر آن می‌نشستند و از سایه آن بهره می‌بردند، برای او احترام داشت و برای جلوگیری از خشک شدن درخت، همواره به آن آب می‌داد (ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳۳، ص ۸۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۳؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۵۸) و حتی در برخی گزارش‌ها منعکس شده که از قرار گرفتن پای شترش بر جای پای شتر پیامبر ﷺ خوشحال بود (ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۸۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۳ و ۲۳۷). بنا بر گفته مالک بن انس، او آن‌چنان به آثار برجای مانده از پیامبر ﷺ تبرک می‌جست که عده‌ای بر عقل او بیمناک شده و از دیوانه شدن او نگران بودند (ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۸۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۳).

بدرالدین عینی حنفی (م ۸۵۵ق)، از شارحان صحیح بخاری، به گزارش‌های مذکور از عملکرد «عبدالله بن عمر بن خطاب» استناد کرده و تبرک به تمام آثار منسوب به پیامبر اعظم ﷺ را مستحب می‌داند (عینی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۲۰۴). «محبی الدین نووی» (م ۶۷۶ق) (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۷۶)، «ابن حجر هیتمی» (م ۹۷۴ق) (هیتمی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۸۵)، «خطیب شربینی شافعی» (م ۹۷۷ق) (شربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۵۱۲)، «شمس‌الدین رملی» (م ۱۰۰۴ق) (رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۰) و «أبوالإخلاص شرنبلالی» (م ۱۰۶۹ق) (شرنبلالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷) نیز به سنت بودن بازدید از «بشر

اریس» و وضو گرفتن و آب نوشیدن از آن از باب تبرک جستن به آثار نبی مکرم اسلام ﷺ حکم کرده‌اند.^۱

پس بنا بر گزارش‌ها و فتوهای مذکور از فقیهان اهل سنت، تبرک به مکان‌ها و مسجدهایی که پیامبر اکرم ﷺ به نوعی با آن ارتباط داشتند (مثلاً در آنجا نماز خوانده‌اند یا وضو گرفته‌اند یا...) بدعت نیست بلکه مطلوب است و می‌توان از آن برای اثبات مشروعیت تعظیم و تعزیز آن مکان‌ها در قالب بازدید از آن و محافظت از تخریب و نابودی بهره جست (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵ق؛ ج ۱۳، ص ۹۵؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ص ۱۶۰؛ سبزواری، ۱۳۸۸ق، ج ۱۴، ص ۴۰۰).

نمازگزاردن در این مکان‌ها اگر مسجد باشند به خاطر امتثال یک حکم الهی درباره تمام مساجد است؛ زیرا مستحب است پس از ورود به هر مسجد، دو رکعت نماز تحیت در آن به جا آورده شود و اگر غیر مسجد، همچون غار حراء، باشد از باب تبرک جستن به مکانی است که پیامبر در آنجا نماز خوانده یا دعا کرده، بنابراین مشروع بلکه مطلوب است. در گزارشی از جعفر بن محمد رضی الله عنه، رئیس مذهب جعفری، در زیارت مشاهد شهر مدینه منوره به این مطلب تصریح شده است؛ آنجا که فرمودند:

ثُمَّ أَنْتَ مَشْرَبَةٌ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا فَإِنَّهُ مَسْكَنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مُصَلَّاهُ، ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ
الْفَضِيخِ فَتُصَلِّي فِيهِ رُكْعَتَيْنِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيُّكَ... (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴).

سپس بیا به مشربه ام ابراهیم و در آنجا نماز بخوان؛ چه اینکه آنجا محل زندگی

۱. برای توضیح و تبیین بیشتر می‌توان به کلام «ابوحامد غزالی» (م ۵۰۵ق) در بحث آداب زیارت پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرد؛ آنجا که می‌نویسد: «زائر باید به کنار چاه اریس، که نزدیک مسجد است بیاید و از آن وضو بگیرد و از آب آن بنوشد؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ آب دهان خود را به این چاه انداخته است. زائر باید به زیارت تمامی مشاهد و مساجد مدینه، که سی موضع است و ساکنان شهر، آن را می‌شناسند، برود و اگر قادر به زیارت تمامی مشاهد و مساجد نیست، هر مقدار از این مکان‌های مقدس را که مقدور است زیارت کند. زائر همچنین باید به زیارت چاه‌هایی که پیامبر از آن چاه‌ها وضو گرفته است، یا دست‌های خود را با آب آن شسته یا از آب آنها نوشیده است برود و از آب آن چاه‌ها به عنوان تبرک و برای درمان مرضی‌اش بنوشد» (غزالی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۶۰).

و نماز رسول خدا ﷺ بوده است. سپس بیا به مسجد فضیخ و در آنجا دو رکعت نماز بخوان؛ چرا که رسول خدا ﷺ در آنجا نماز خوانده است...

ج) یادآوری و پندآموزی از خاطرات حوادث صدر اسلام

عبرت‌آموزی یکی از اهداف مهم شارع در برخورد با حوادث گذشته است. این مهم در آیات مختلف قرآن کریم (روم: ۹ و ۴۲؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱ و ۸۲؛ محمد: ۱۰؛ أنعام، ۱۱؛ نمل: ۶۹) بیان شده است. در *غررالحکم* نیز فصلی مشتمل بر بیش از سی روایت در جملاتی کوتاه و پر معنا از حضرت علی علیه السلام به عبرت‌پذیری، اهمیت، فوائد و آثار آن و همچنین مدح کسی که عبرت می‌پذیرد و ذمّ کسی که عبرت نمی‌پذیرد اختصاص یافته است.

اصرار شارع بر سیر و گردش در زمین و عبرت‌آموزی از آثار گذشتگان: ﴿أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (یوسف: ۱۰۹)، یکی از عواملی است که مطلوبیت تعظیم و تعزیر آثار برجای‌مانده از مسلمانان صدر اسلام - اعم از مساجد، اماکن و مشاهد - را توجیه می‌کند. هر کدام از این آثار یادآور حوادث و رویدادهای متفاوتی از مصیبت‌ها، شجاعت‌ها و دلاوری‌های مسلمانان صدر اسلام است که موجب پندپذیری و عبرت‌گیری مسلمانان می‌شود و یکی از لوازم مؤثر در یادآوری این حوادث، تعظیم و تعزیر آن اماکن در ادوار مختلف است؛ به دیگر سخن یادآوری مسائل و حوادث صدر اسلام (مانند تحمّل سختی‌ها و امدادهای غیبی و...) با مشاهده و بازدید از نزدیک، تأثیرگذارترین روش در عرصه پندپذیری و اندرزگیری است؛ مثلاً یادآوری خاطره مسلمانان صدر اسلام با مشاهده محل جنگ احزاب (خندق) که در سخت‌ترین شرایط مسجد ساخته‌اند و به جهاد ادامه داده‌اند، موجب پندپذیری، اندرزگیری و استحکام ایمان در مواجهه با دشمنان در جهان امروز است. امام جعفر صادق علیه السلام برای یادآوری آن شرایط دشوار به مسلمانان توصیه کرده‌اند که پس از آدای نماز تحیت در مسجد فتح (از مساجد هفتگانه در محل جنگ احزاب)، دعای مخصوص هم بخوانند (ابن

قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴).^۱ همچنین بازدید از تنگه عینین و محل غزوه أحد و آگاهی از موقعیت جغرافیایی آن و یادآوری عدم تبعیت اصحاب از تدبیر نظامی پیامبر ﷺ در گماشتن پنجاه تیرانداز برای محافظت از تنگه، موجب عبرت‌گیری زائران و تعمیم آن به دوران کنونی در عدم فرمانبرداری از حاکم اسلامی برابر حجمه‌های مختلف مُعاندان دین است.

۱. «يا صَرِيحَ الْكَرُوبِيِّنَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْثِفْ عَنِّي عَمِّي وَ كَرِّبِي وَ هَمِّي كَمَا كَتَبْتَ عَن نَبِيِّكَ ﷺ هَمَّهُ وَ عَمَّهُ وَ كَرِّبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

نتیجه‌گیری

بازدید زائران بیت‌الله الحرام در مکه مکرمه و مدینه منوره از اماکن یادآور حوادث و رویدادهای صدر اسلام و تعزیر و تعظیم آن اماکن در پرتو صیانت از تخریب، بازدید و ادای دو رکعت نماز در آن نه تنها بدعت نیست، بلکه با تفکیک این اماکن به «اماکن منصوص و غیر منصوص» باید گفت: اماکنی همچون مسجد قبا و مسجد خیف، بنا بر دلالت مطابقی ادله، نماز گزاردن در آنها مستحب است و بنا بر دلالت التزامی آن ادله، از شأن و منزلتی متمایز از سایر مساجد - به جز مسجدالحرام و مسجدالنبی - برخوردارند و بازدید و تعظیم آنها، مطلوب شارع مقدس است.

نسبت به اماکن دیگر - همچون مساجد سبعة، مسجد اجابه، مسجد غمامه، مسجد ردالشمس، مسجد جن، مسجد ذوقبلتین، غار حرا، غار ثور، تنگه عینین (محل عزوه احد)، بئراریس و... - ، که دلیل خاص روایی مبنی بر استحباب نماز در آن وارد نشده است، از باب قرار گرفتن در زمره برخی اطلاقات و عمومات شرعی - همچون مطلوبیت عام تعظیم شعائر، مطلوبیت تبرک جستن به آثار نبی مکرم اسلام ﷺ و مطلوبیت عبرت‌گیری و پندآموزی از آثار گذشتگان - تعظیم و اهتمام مسلمانان برای حفظ و بازدید از این اماکن نیز مطلوب و ادای نماز در مساجد آن از باب استحباب نماز تحیت یا به طور کلی در اعم از مساجد و غیر مساجد، تبرک به مکان نماز یا دعای پیامبر اعظم ﷺ است. این نظریه با واکاوی مبانی حدیثی و فقهی مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب جعفری و تحلیل و تبیین آن به دست می‌آید.

والحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی محمد و آل الطاهرین.

منابع

قرآن كريم

١. ابن ابي حاتم، عبدالرحمان (بي تا)، تفسير القرآن العظيم، محقق: اسعد محمد الطيب، بيروت، المكتبة العصرية.
٢. ابن ابي شبيه، عبدالله بن محمد (١٤٠٩ق)، المصنّف في الاحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد.
٣. ابن اثير، مبارك بن محمد جزري (١٣٨٥ق)، الكامل في التاريخ، بيروت، دارالصادر.
٤. ابن حجر الهيتمي، احمد بن محمد (بي تا)، تحفة المحتاج في شرح المنهاج، بي جا، دار احياء التراث العربي.
٥. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على (١٤٠٧ق)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، قاهره، دارالريان للتراث.
٦. ابن حنبل، احمد بن محمد (١٤٢٠ق)، مسند الامام احمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم.
٧. ابن شبه نميري، عمر بن شبه (١٤١٠ق)، تاريخ المدينة المنورة، محقق: فهيم محمد شلتوت، بيروت، دارالفكر.
٨. ابن عجيبة، احمد (بي تا)، البحر المديد في تفسير القرآن المجيد، محقق: قرشى رسلان و احمد عبدالله، قاهره، حسن عباس زكي.
٩. ابن عساکر، على بن الحسن (١٤٠٧ق)، تاريخ دمشق الكبير، محقق: عبدالقادر بدران، بيروت، دار احياء التراث، چاپ سوم.
١٠. ابن قدامه، عبدالله (بي تا)، المغني، بيروت، دارالكتاب العربي.
١١. ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٩٨ق)، كامل الزيارات، نجف اشرف، دارالمرتضوية.
١٢. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧ق)، البداية والنهاية،

- بیروت، دارالفکر.
۱۳. ابن نجیم حنفی، زین الدین (بی تا)، **البحر الرائق شرح كنز الدقائق**، بیروت، دارالمعرفة.
۱۴. ابن سعد، محمد بن سعد (بی تا)، **الطبقات الكبرى**، بیروت، دارصادر.
۱۵. استرآبادی، محمد (بی تا)، **آیات الاحكام**، تهران، نشر مكتب المعراجی.
۱۶. امینسی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق)، **الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب**، قم، مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۷. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۰۷ق)، **صحیح البخاری [الجامع الصحیح المختصر]**، محقق: مصطفی ديب البغا، بیروت، دارابن كثير، چاپ سوم.
۱۸. بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲ق)، **كشاف القناع عن متن الإقناع**، محقق: هلال مصلحی، بیروت، دارالفکر.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، **سنن الكبرى للبيهقي**، محقق: محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ سوم.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، **سنن الترمذی**، محقق: احمد محمدشاکر و اخرون، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۱. جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، **التسهیل لعلوم التنزیل**، محقق: عبدالله خالدی، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۲. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، **احكام القرآن**، محقق: محمدصادق القمحاوی، بیروت، داراحیاء التراث.
۲۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۵ش)، **آثار اسلامی مکة ومدینہ**، قم، نشر مشعر، چاپ پنجم.
۲۴. جمل، سلیمان بن عمر (بی تا)، **حاشية الجمل على المنهج لشيخ الإسلام زكريا الأنصاري**، بی جا، دارالفکر.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، **المستدرک على الصحيحین**، محقق: مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۲۶. حسینی الجرجانی، ابوالفتح (بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد الأذهان، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

۳۴. شریبانی، محمد بن احمد (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، دارأحیاء التراث العربی.

۳۵. شرنبلالی حنفی، حسن (بی تا)، مراقی الفلاح بإمداد الفتاح شرح نور الإيضاح ونجاة الأرواح، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۳۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم.

۳۷. _____ (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

۳۸. _____ (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم، مؤسسه امام الهادی عليه السلام.

۳۹. صاحب سرّ هندی، محمدحسن جان (بی تا)، الاصول الاربعة فی تردید الواهائیة، استانبول، نشر المکتبه اشیق.

۴۰. الصنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳ق)، منصف عبدالرزاق، محقق: حبیب الرحمان الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی، چاپ دوم.

۲۶. حسینی الجرجانی، ابوالفتح (۱۴۰۴ق)، آیات الأحكام [تفسیر شاهی]، تهران، بی نا.

۲۷. حماد بن زید (۱۴۰۴ق)، تركة النبی صلى الله عليه وآله، محقق: ضیاء العمری، بی نا.

۲۸. دهلوی، شاه ولی الله (۱۴۲۶ق)، حجة البالغة، محقق: السید سابق، بیروت، دارالجلیل.

۲۹. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، سیر أعلام النبلاء، محقق: مجموعة من المحققین باشراف الشیخ شعیب الارناؤوط، بی جا، مؤسسة الرسالة، چاپ سوم.

۳۰. _____ (۱۴۱۰ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، محقق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.

۳۱. رملی، محمد بن ابی العباس [شافعی الصغیر] (۱۴۰۴ق)، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، بیروت، دارالفکر.

۳۲. سبزواری، عبد الاعلی (۱۳۸۸ق)، مهذب الاحکام فی بیان حلال والحرام، قم، دارالتفسیر.

۳۳. سبزواری، محمدباقر بن محمد

۴۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)،
المیزان فی تفسیر القرآن، قم،
انتشارات جامعہ مدرسین، چاپ
پنجم.
۴۲. طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا)،
المعجم الكبير، محقق: حمدی
عبدالمجید السلفی، بی جا، مكتبة
ابن تیمیة.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)،
مجمع البيان فی تفسیر القرآن،
بیروت، مؤسسہ الأعلمی، چاپ دوم.
۴۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)،
تاریخ الطبری، محقق: ابوالفضل
ابراہیم، بیروت، دارالتراث.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن
(۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقہ
الامامیة، مصحح: سیدمحمدتقی
کشفی، تہران، المكتبة الرضویة
لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۴۶. _____ (۱۴۰۷ق)، تہذیب
الاحکام، تہران، دارالکتب
الاسلامیة، چاپ چہارم.
۴۷. _____ (بی تا)، التبیان فی
تفسیر القرآن الکریم، محقق:
احمدحیب عاملی، بیروت، دار
احیاء التراث.
۴۸. عراقی، عبدالرحیم (۱۴۱۳ق)،
طرح الثریب فی شرح التقریب،
بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۹. علامہ حلی، حسن بن
یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب
فی تحقیق المذہب، مشہد،
مجمع البحوث الإسلامیة.
۵۰. عینی، بدرالدین (بی تا)، عمدۃ
القاری شرح صحیح البخاری،
بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۱. غزالی، محمد (۱۳۹۰ش)، احیاء
علوم الدین، بیروت، دارالکتب
العربی.
۵۲. فاکھی، محمد بن اسحاق
(۱۴۱۴ق)، اخبار مکہ فی قدیم
الذہر وحديثه، محقق: عبدالملک
عبدالله دہیش، بیروت، دارخضر،
چاپ دوم.
۵۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب
(۱۳۸۹ق)، المغانم المطابۃ فی
معالم طابۃ، محقق: حمد الجاسر،
بی جا، دارالیمامۃ للبحث
والترجمة والنشر.
۵۴. قرطبی، یوسف بن عبدالبر
(۱۴۱۲ق)، الاستیعاب، محقق: علی
محمد الجاوی، بیروت، بی نا.

۵۵. _____ (۲۰۰۰م)،
الإستذکار الجامع لمذاهب
فقهاء الأمصار، محقق: سالم
محمد عطا و محمد علی
معوض، بیروت، دارالکتب
العلمية.
۵۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خصر
(بی تا)، کشف الغطاء، قم، دفتر
تبلیغات اسلامی.
۵۷. _____ (بی تا)، هدی المتقین
إلى شریعة سید المرسلین، نجف
اشرف، بی نا.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب
(۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق:
علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب
الاسلامية، چاپ چهارم.
۵۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین
(۱۴۰۵ق)، کنز العمال فی
سنن الاقوال والافعال، محقق:
شیخ بکری حیاتی و شیخ صفوه
السفاء، بیروت، مؤسسة الرسالة،
چاپ پنجم.
۶۰. محقق سبزواری، محمدباقر
(بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح
الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت فی
الاحیاء التراث.
۶۱. مراغی، میرفتاح (بی تا)، العناوین
الفقهية، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶۲. مزی، یوسف بن عبدالرحمان
(۱۴۰۰ق)، تهذیب الکمال فی
أسماء الرجال، محقق: بشارعواد
معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۶۳. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)،
صحیح مسلم، محقق: محمدفؤاد
عبدالباقي، بی جا، مطبعة عیسی
البابی الحلبي وشركاه.
۶۴. مفید، محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعة،
قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۵. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق)،
إمتاع الاسماع بما للنبي من
الاحوال والأموال والحفدة
والممتع، محقق: محمدعبدالحمید
النمیسى، بیروت، بی نا.
۶۶. مناوی، محمد عبدالرئوف
(۱۴۱۵ق)، فیض القدير شرح
الجامع الضعیر من احادیث البشیر
النذیر، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی
(۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی احکام
الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)
۶۸. _____ (۱۴۰۸ق)، عوائد
الایام، قم، مکتبه بصیرتی.
۶۹. نسائی، احمد بن شعیب

(۱۴۱۱ق)، سنن النسائی الكبرى،

محقق: عبدالغفار سلیمان البنداری

و سیدکسروی حسن، بیروت،

دارالکتب العلمیة.

۷۰. نووی، یحیی بن شرف

(۱۳۹۲ق)، شرح النووی علی

المسلم [المنهاج شرح صحیح

مسلم بن الحجاج]، بیروت،

داراحیاء التراث العربی، چاپ

دوم.

۷۱. — (بی تا)، المجموع،

بیروت، دارالفکر.

۷۲. واحدی، علی بن احمد

(۱۳۸۳ش)، اسباب النزول

القران، ترجمه علیرضا ذکاوتی،

تهران، بی نا.